



2013/12/14

قیس کبیر

"منظور این مقاله فقط آنهایی اند که هنوز هم بر جنایات احزاب خلق و پرچم افتخار نموده و برای تیرئه آنها در تکاپو و تلاش مذبحخانه می باشند." باید علاوه نمود که در همه ارگان های سیاسی همه کشور ها افرادی بوده اند که بنا بر آرزو ها و آرمان های تخیلی ویا نیازمندی های اقتصادی و سایر علل انسانی دیگر، نا آگاهانه شامل چنین جریان های شده اند که آنان منظور این قلم، نمی باشند.

ویروس ستکس نت¹ StuxNet و مدافعین جنایات خلق و پرچم

ادغام شدن ایشان در زیر چتر (بگفته خود شان) سیاه امپریالیزم

زمانیکه انقلاب برگشت نا پذیر ثور، برگشت پذیر شد و ستاره اقبال کودتاچیان افول کرد، مسؤولین بلند پایه حزب که مرگ خود را در دو قدمی مشاهده میکردند، دست به یک مانور ننگین دیگر زدند.

بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، یعنی درست بعد از سقوط رژیم دست نشانده روس در افغانستان و بعداً کودتای هشتم ثور، تعداد بیشماری از افراد سیاسی - نظامی و استخباراتی رژیم منحل با تمام قوت نظامی و استخباراتی، زبونه کوشیدند تا یک جنگ کثیف قومی را در کشور براه انداخته و در تبنانی با متحدین یا مؤتلفین جدید شان جوی هایی از خون هموطنان بی گناه و بی دفاع ما را در سرتاسر کشور جاری سازند، تا بدین گونه جنایات بی حد و حصر زمان حاکمیت شانرا کتمان کنند. این بازی سیاسی - استخباراتی آنها به کمک مؤتلفین جدید شان و ملیشه ها و جاسوسان خاد و واد، با هزاران دریغ که کارگر افتاد و هردو طرف تا توانستند به آن آتشی که افروخته بودند، پترول پاشیدند و پکه زدند.

حزب منحل باصطلاح " وطن " به چند پارچه تقسیم شد و هر پارچه آن به یکی از تنظیم های ساخت پاکستان و ایران پیوست. یک جناح شاخه پرچم به ربانی - مسعود پیوستند و جناح دیگر بار و بستره بسته با حزب وحدت مزاری در یک بستر قرار گرفتند. جناح خلق هم از حریف عقب نمانده و به گلبدین حکمتیار و هم پیمانانش پیوست.

ملیشه های گلم جم و سید کیان که در حقیقت باعث سقوط رژیم و خونریزی های وحشتناک بعدی بودند، هم گاهی به نعل میزدند و گاهی به میخ و پیوسته در تلاش بودند تا در کفه سنگین ترازو قرار داشته باشند و همان بود که کشتار و ویرانی و وحشت و تباهی، سراسر افغانستان را فرا گرفت و باقی ماجرا.

اما آنچه مطمح نظر این نوشته است، اوضاع و احوال فراریان رژیم کودتا به غرب و ،دلمان امپریالیزم!" و سرمایه داری است و اینکه آنها در کشور های مذکور در چه وضعیتی قرار داشتند و ارتباطات شان با هموطنان ما که از ظلم و استبداد و کشتار آنان جان سلامت برده و ساکن این کشور ها بودند، چگونه بود و بعد ها چه اتفاقاتی افتاد. این اتفاقات و رویداد ها شباهت زیاد به ویروس (ستکس نت StuxNet) دارد. این ویروس خطرناک برای اولین بار در دستگاه اتمی ایران نفوذ کرد و کنترل غنی سازی یورانیوم ایران را در اختیار خود گرفت. بعد از ازمه پاشیدن بلاک شرق، ایران توانست تعداد زیادی از فزیک دانان اروپای شرقی را با مصارف گزاف استخدام نماید که بعد از افشاء شدن مسأله ، با عکس العمل جدی غرب و اسرائیل مواجه شد.

برای فهمیدن بهتر و بیشتر قضیه، یک نگاه مختصر می اندازیم به طرز کار تولید انرژی اتمی Nuclear fission

برای تولید انرژی مانند انرژی برقی یا تولید سلاح های اتمی باید در فابریکه های اتمی از عنصر کیمیاوی یورانیوم استفاده شود که در طبیعت یورانیوم به شکل کم بها پیدا می شود. این عنصر قبل از استفاده برای انرژی یا سلاح های اتمی باید به

1- نظر به راپور، دقیقاً در همین موقع ویروس (Stuxnet) که در سال ۲۰۱۰ کشف گردیده، شروع به فعالیت می کند. چون انکشاف آن هرگز نمی توانست کار یک شخص و یا یک گروه خاص باشد، عقیده بر این است که همین ویروس از طرف اضلاع متحده آمریکا و ایجنسی های اسرائیل طرح گردید تا تجهیزات اتمی ایران مورد تاخت و تاز قرار گرفته بتواند

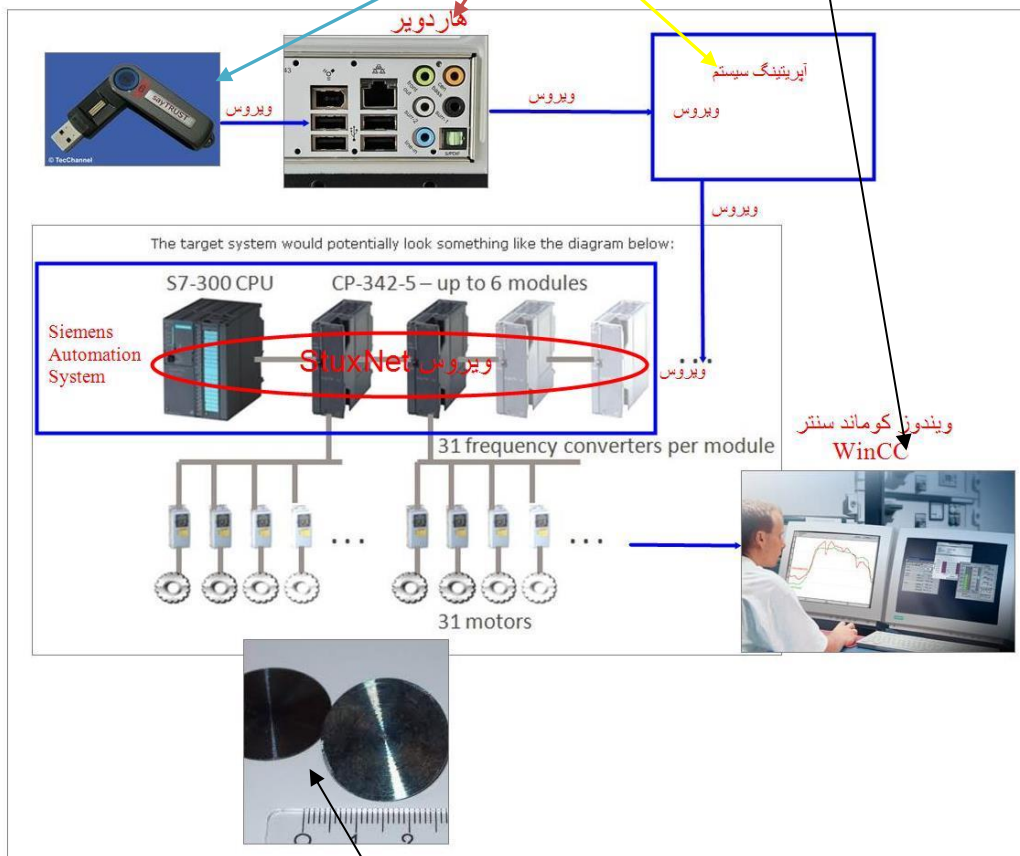
یورانیم غنی تبدیل شود. برای تبدیل نمودن یورانیم کم بها به یورانیم غنی، باید یورانیم کم بها برای چندین ماه توسط موتورهای مخصوص، به یک **سرعت دورانی ثابت** که برای موفقیت این پروسه اهمیت حیاتی دارد، به دوران باشد، در صورت تغییر سرعت دورانی ثابت "سنتری فیوج ها" ، غلیظ شدن "ایزوتوپ های ثقیل یورانیم" قطع خواهد گردید و در نتیجه آن به تولید یورانیم کم بها (تفاله یورانیم) منجر خواهد شد. فریک دانان اتمی توسط (ویندوز کماند سنتر ها) مراقبت پروسه های اتمیشن غنی سازی را به دقت کامل انجام میدهند که در سیستم های اتمیشن زمینس Siemens AG تمام این پروسه توسط ویندوز کماند سنتر WinCC صورت میگیرد.

به این عامل تحول فریکوینس ها (کان - ورتر Converter) اشد ضرورت است تا سرعت دورانی "سنتری فیوج ها (Centrifuge)" که جهت غنی ساختن "یورانیم" با انرژی اتمی نهایت مهم است، عیار شده بتواند و برای این مقصد یک سرعت دورانی "**ثابت**" برای موفقیت پروسه اهمیت حیاتی دارد.

عملکرد و طرز فعالیت ویروس ستکس نت

این ویروس به وسیله Memory stick از طریق **هاردویر** داخل **آپریتهنگ سیستم** ها شده و خود را جابجا و عیار می سازد. بعداً به اتمیشن سیستم ها داخل گردیده و کنترل چرخش **ثابت** (سرعت دورانی ثابت) ماشین ها یا موتور ها را زیر کنترل خود آورده و با چنان مهارتی آنرا تغییر میدهد که این تعامل (چرخش غیر ثابت سرعت دورانی موتور ها) برای فزیکدانان در بخش

کنترل مرکزی سیستم ها WinCC، قابل تشخیص نمیباشد. در دستگاه های کنترل مرکزی، تمام حرکات و سرعت چرخش موتورها بگونه عادی، **ثابت** و نورمال جلوه میکنند و کوچکترین تغییر در سیستم به مشاهده نمی رسد، اما ویروس StuxNet کنترل سیستم چرخش موتور ها را کاملاً زیر کنترل خود درآورده و مانع غنی سازی اورانیوم میگردد.



این ویروس باید به مرور ماه ها ، فریکوینس کانورترها را در مراحل مختلف، بار بار تغییر دهد تا مانع غنی سازی یورانیم گردد

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

قسمی که در بالا یادآوری کردیم، آمدن حزبی های خلق و پرچم بوسیله طیاره ها، درست مانند رخنه ویروس ستکس نت در داخل یک «مموری ستیک Memory stick» از طریق روسیه و بلاک شرق (هاردویر) و جابجا شدن شان در زیر چتر بگفته خود شان امپریالیزم جهانخوار (آپریتنگ سیستم ها)، شباهت زیاد به داخل شدن ویروس ستاکس نت در سیستم ها دارد. اینکه افراد مذکور چگونه خود را در داخل اجتماعات افغانها جابجا کردند و عیار ساختند، در ذیل بصورت مختصر به آن می پردازیم:

1. مراسم عزاداری و فاتحه و عروسی و شیرنیخوری و...

در همان سال های نخستین کودتای هشتم ثور، یک تعداد از بلند پایگان رژیم منحل و تعداد کثیر دیگر شان بار وبستره بستند و از طریق روسیه و بلاک شرق راهی اروپا، امریکا و کانادا شده و به دامن امپریالیزم! غرب پناه آوردند.

در سال های نخست در این کشور ها، همه و همه بلا استثنی در گوشه های خلوت خود خزیده جز در بین خود شان، جرأت و شهامت مقابل شدن با هموطنان ما را در این کشور ها نداشتند و به شدت شرمنده بودند و واهمه داشتند که با آنان مقابل شوند. در مراسم عزاداری و فاتحه و عروسی و شیرنیخوری و...، جرأت ظاهر شدن نداشتند و اگر فردی از آنان هزار دل را یک دل میکرد و در همچو محافل و مجالس حاضر می شد، یا در کنج خلوتی می خزید و تلاش میکرد با کسی چشم به چشم نشود و یا اگر چنین میشد، هموطنی که آنان را شناسائی کرده بود، او را به دیگران معرفی میکرد و در نتیجه یا خود مجبور به ترک آن سالون می گردید و یا هم از آنجا ها رانده می شد و... در حقیقت میتوان گفت که همه و همه به تجرید کشانیده شده بودند و یک مرگ تدریجی را تجربه میکردند.

بالاخره از طریق آشنایان و یا پیوند های جسته و گریخته فامیلی در جنازه شرکت کردن ها و بمسجد رفتن ها زمینه شد که از خموشی مردم سوء استفاده کنند. در اوایل هر شخص نامدار غیر پرچمی و خلقی را چنان احترام میکردند و حتی همین اشخاص پُر رو زمینه را مساعد میدیدند و در کنار شخصیت ها می ایستادند تا چشم جمعیت به آنها افتد. در بسیاری جاها بمردم خوراکه ها و نوشیدنی ها تعارف میکردند و چنان خود را مظلوم نشان میدادند تا مردم مصاحبت شانرا بپذیرند. ولی از انظار مردم و جامعه نمی توانستند این تاکیک خود را پنهان کنند زیرا همه اعمال گذشته آنها را به خاطر داشته و چشم سر دیده بودند.

خلاصه این تاکتیک آنها باز هم مثل تاکتیکهای دیگر شان نتیجه داد و آهسته آهسته در بحثها شرکت کردند. اما شرکت درین بحثها چنین بود که قبل از اینکه دیگران حدیث نقد بر آنها جاری سازند خود آنها خود را تنبیه میکردند و احزاب خود را مسؤول تمام بدبختی ها میشمردند. تا اینکه رفته رفته آنها دست بنشرات زدند. بطور مشخص مجله های بنام **کاخ سخن**، **روشنی**، **آینده**، **آسمایی**، **تصویر** و... و... بخصوص که در آلمان براه افتاد، آنها برای جذب صاحب نظران و نویسندگان غیر پرچمی و خلقی اقدام کردند تا نشرات شانرا توسط این دسته اعتبار داده باشند. میتوان در همین نشرات سرمقاله های آنها را پیدا و مطالعه نمود که چگونه خود را برائت میدادند و حزب برباد رفته شانرا انتقاد و مذمت مینمودند. (مراجعه به سرمقاله های روشنی بقلم صدیق رهپو و دیگران نگاه کنید). آنها با جاری ساختن انتقاد بر احزاب خلق و پرچم در سالهایی که هنوز انترنت وسعت نداشت، میپرداختند، تماشای اینها واقعاً تعجب آور بود که چگونه نکتابی شرافت انتقاد و نقد را از احزاب که در آن پرورده شده بودند به خود می بستند.

2. عصر انترنت

بعد از سال های 1996 که کم کم اولین وبسایت های افغانی شروع به فعالیت نمودند، آهسته آهسته تعدادی از این گونه پناهندگان، جسته و گریخته شروع به همکاری با بعضی از آن سایت ها نموده و در قدم های نخست از شعر و شاعری و نوشته های ادبی شروع کردند و بعد هم راه به تالار های پالتاکی انترنت پیدا کردند. عده ای از این افراد با نام های مستعار عجیب و غریب داخل پالتاک ها شدند و اندک اندک راه خود را در سایت ها و پالتاک ها باز نمودند. (بعد ها که بگونه ای ماهیت و اصلیت شان نمایان شد، مجبور شدند از نام های اصلی خود استفاده کنند و بدین گونه در جمع هموطنان صاف دل ما رخنه کردند و اندک اندک و آهسته آهسته تلاش های خود را ادامه دادند تا در جمع هموطنان ما در خارج از کشور پذیرفته شوند.

بعد ها بجای مجلات و اخبار، وبسایت های از قبیل **مشعل**، **پندار**، **رسالت**، **آینده افغانستان** و... بوجود آوردند. خاصناً طبقه انات شان این نوع فعالیت ها پیشقدم شدند و بگونه فعال تر و مؤثر تر وارد کارزار شدند و اهل قلم و نوشته را چنان تحت تأثیر خود قرار دادند که حتی یکی از این افراد، کمیته حقوق بشر فارو را به خاطر تقبیح 7 ثور زیر انتقاد شدید قرار داد....

د پانو شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

متأسفانه حتی کسانی که حالا دگر هیچگونه پیوند حزبی و سازمانی با این گروه ها ندارند، نوشته های خود را به آن سایت های معلوم الحال میفرستند که عکس های رهبران جنایت پیشه حزب دیموکراتیک بر تارک آن آنها خنجر به چشم هر بیننده میزند. این هموطنان ما برای توجیه عمل ایشان چنین استدلال میکنند که فقط میخواهند تا حد امکان نوشته های شان در سایت های مختلف، با طرز دید های متفاوت بنشر سپرده شود تا هرچه بیشتر خواننده داشته باشند....

ولی این طرز تفکر در عصر انترنت که معلومات توسط یک موس کلیک مجانی، بدون ضیاع وقت و مصرف پول در اختیار علاقمندان قرار میگیرد، منطقی و قابل پذیرش نیست. یگانه دلیلی را که میتوان حدس زد نشر مضامین در این سایت ها تنها زنده نگهداشتن این ویروس ها نبوده بلکه تأیید این نشرات با سردمداران شان می باشد.

3. رژیم موجوده

و اما در بعد از سقوط رژیم طالبان و به میان آمدن رژیم کنونی، وضعیت به گونه ای به نفع این رانده شدگان تمام شد. رژیم جدید که تازه زمام امور را بدست گرفته بود، با یک خزانه خالی، کشور مخروبه، مردم آواره و بی خانمان و بیکار و بی سرنوشت و انهدام کامل رویناها و زیربنا های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و...، روبرو گردید.

رژیم جدید که شیرازه وحدت ملی را هم در کشور فروریخته می دید و به شدت در تلاش بود تا در نخستین قدم ها سیستم اداری کشور را فعال بسازد و تا حد امکان وحدت ملی از هم گسیخته کشور را احیا نماید.

آنچه رژیم جدید به اشتباه گرفته بود، مفهوم اساسی و اصلی وحدت ملی به معنی اصلی آن بود و بسیار ناشیانه بدین باور رسیده بودند که اگر دشمنان خونی را پهلوی هم نشانند، در حقیقت وحدت ملی را تأمین کرده اند، غافل از اینکه وحدت ملی در عفو و بخشش جنایتکاران جنگی نه تنها به میان نمی آید، بلکه بلکه عدالت نیز بدین گونه قربانی مصلحت می شود، عدم تعقیب جنایت کاران جنگی و مرتکبین جرایم ضدبشری، باعث مبدل شدن این جرایم به یک امر عادی و روزمره خواهد شد که چنین هم شد و ارتکاب این جنایات زیر عناوین متفاوت ادامه یافت.

در دوازده سال گذشته دیدیم که جنایتکاران جنگی چپ و راست و میانه، باربار تغییر موضع دادند و هر روز تلاش بیشتر به خرج دادند تا افراد وابسته بخود را منظم ساخته و مسلح سازند.

رژیم جدید هرچند تلاش کرد تا همه جنایتکاران جنگی را در همکاری باهمدیگر قرار دهد و به زعم خود "وحدت ملی" را احیا کند، که نتیجه منفی گرفت و این کاملاً منطقی بود که هرگز نمی شود وحدت ملی را با اتحاد و ائتلاف جنایتکاران جنگی بدست آورد و تأمین کرد.

اوضاع و احوال دوازده سال گذشته زمینه را طوری مساعد ساخت که پرچمی ها و خلقی ها، در داخل کشور به مقامات بلند لشکری و کشوری رسیدند و با سوء استفاده های وسیع از امکانات دست داشته، رفقای دیگر حزبی خود را به دور خود جمع کردند و دست به تشکیل مجدد حزب و سازمان زدند و دیگر به وزارت و ولایت و سفارت هم قانع نبوده و شوق ریاست جمهوری کردند.

در خارج از کشور هم با سرمایه های جدیدی که از رفقای خود در داخل کشور بدست آورده بودند، دست به ایجاد سازمان ها و اتحادیه ها با پسوند های اروپایی زدند، مانند «انجمن حقوق دانان افغان در اروپا» و «شورای اروپایی زنان افغان» و..... و حتی در تلاش تشکیل احیای چپ جدید افغانی شدند و خواستند کار های بزرگی که در ذات خود خوب اند ولی متأسفانه خواهان ایجاد آن، بالای یک تهداب قبلاً ویران شده، گناهکار، ضد منافع کشور و بدست قاتلان مردم میباشند.

هرباری که یک گور دسته جمعی قربانیان جنایات کودتاچیان ثور، از یک گوشه کشور سر بیرون میکند و قربانیان، فریاد عدالت خواهی سر میدهند و یا هم لیست های شهداء بیرون داده می شود، مدافعین جنایتکاران خلق و پرچم هم درست مانند وپروس (ستکس نت)، که مانع غنی سازی اورانیم میگردد، وارد کارزار شده، با چنان مهارتی، با هدف اصلی شان تلاش میکنند که مانع محاکمه جنایتکاران خلقی و پرچمی گردند و درعین زمان به مردم چنان وانمود نمایند که گویا آنها خواهان عدالت و عدالت خواهی می باشند.

همان قسمی که وپروس (ستکس نت) با مهارت خاص خود چرخش ثابت موتور ها را تغییر میدهد همان طور این مدافعین، در موضوع معین مانند لیست های شهداء و یا گورهای دسته جمعی، ثابت نمانده، به عوض ندامت از عملکرد های غیر انسانی و به شدت وحشتناک خود و حزب خود، در تلاش میشوند تا یک قرن عقب رفته و جنایات آن زمانه ها را مطرح نمایند و عوامل و اوضاع خیلی متفاوت تاریخی را با هم مغالطه می کنند و همانند وپروس متذکره برای حضور خود به عوض فریکوونسی، زمان را تغییر میدهند. گاهی به دوران امیر عبدالرحمن خان چنگ می اندازند و گاهی به دوره محمد نادر خان و... و... و زمانی هم دوران حفیظ الله امین را از دور شیطانی خود مجزا میسازند، تا اذهان مردم را با خم و چم های رد گم کن و بازار

د پاپو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

تیزی های خاص خود، مغشوش ساخته و یک تعداد هموطنان ما را گویا به دنبال نخود سیاه فرستاده و از جهت دیگر با استفاده از اصطلاحات حقوقی، حقوق بشری، علمی، بین المللی و جعل تاریخ، به مردم چنان وانمود نمایند که گویا آنها خواهان عدالت و عدالت خواهی می باشند.

همین کار را جناب میر عبدالواحد سادات با قلم پردازی ها و حاشیه رفتن ها و در لابلای جملات حقوقی و قضائی پیچاندن های غیر موجه، انجام داده و تلاش کرده است که در یک نوشته طولانی و سلسله دار، افکار مردم را از جنایات وحشتناک و بی حد و حصر رفقای حزبی خود، به جنایات تنظیم ها و طالبان و آخر الامر جنایات امریکائی ها و قوای ناتو و ایساف بکشاند تا برای جنایتکاران خلقی - پرچمی، ولو اندک، فرصتی برای تنفس کمائی کنند.

جناب سادات! سیستم قضائی شما که هزاران هموطن ما را بنام جیره خوار امپریالیزم به پلیگون ها فرستاد، چگونه شد که امروز خود شما با مصونیت کامل از دامان همان امپریالیزم غرب سر بلند کرده و فریاد می کشید؟ که این خود تهداب نوشتار و ادعای شما را لرزان ساخته است.

این عملکرد متضاد را چگونه توجیه میکنید؟

آن عمل گذشته و این عملکرد کنونی شما و رفقای حزبی تان، تمام تلاش های شما را در جهت تبرئه جنایتکاران خلقی و پرچمی زیر سؤال می برد. اگر از زیر ریش ارباب دیروزی صدا بلند می کردید، شاید قضیه اندکی تفاوت میکرد، اما در شرایط کنونی، فریاد های شما کوچکترین تأثیری هم از خود بجا نمی گذارد.

آقای سادات و اعوان و انصارش هر باریکه جنایات عظیم حزب شان مطرح می شود، و به اصطلاح قانون دانان شان، کوچکترین عکس العمل از خود نشان نداده و با خاموشی مطلق سر خود را کبک وار زیر سنگ می کنند، اما اگر صحبت از جنایات مؤتلفین هشتم ثوری شان باشد و یا هم از عملکرد های غیر منطقی و قرون وسطائی موجوده، فوراً قطعه نامه ها و اعلامیه ها صادر می کنند.

چه شرافتمندانه خواهد بود به جنایات اعتراف کردن!! و از مردم معذرت خواستن!! ظاهراً یکعده سعی کرده اند خود را در مصطلحات رقابت های جنگ سرد پنهان نمایند و با پذیرش اندک روش نرمتر، آن جنایات را اشتباه قلمداد کنند. اینان تا حال مستغرق همان اندیشه های اسبق خود اند و تا حال قدرت آنرا نیافته اند تا ازین لفافه بدر آیند زیرا خط سرخ بین تعریف جنایت و اشتباه را نمی بینند. آیا با این روش، خود را قناعت میدهند و یا میخواهند به چشم مردم خاک بپاشند؟ جواب نزد خود شان است ولی لازم است به این بیاندیشند که آیا مردم و تاریخ با چنین روش قناعت خواهند کرد یا نه، باز هم جواب روشن است. آنعده اعضای حزب که به نیت پاک خدمت به وطن و مردم فریب رهبران این حزب را خورده اند باید بدانند که اعمال حزب شان اعمال ناعاقبت اندیشانه بوده و حساب خود را با رهبران خود پاک کرده و اعمال آنان را تقبیح نمایند و خود را منحنیث فرد از شرمندگی فردای تاریخ رها سازند. البته معذرت خواستن از جنایت بخودی خود یک بزرگی بکار دارد. اشتباه یک فرد، شاید زیاد بزرگ نباشد و بتوان از آن گذشت، اما اشتباه مسوولین همیشه مرگ آور است و فراموش ناشدنی و ضربات جبران ناپذیر و مرگ آوری بر پیکر یک ملت وارد میکند که در بسا مواقع باعث نابودی کتله های عظیمی از اجتماعات بشری میگردد.

به هر صورت و در هر حالتی، آن افراد مربوط به حزب دیموکراتیک و اخلاف آنها که به نحوی در ارتکاب جنایات، چه به حیث طراح و چه به صفت اجراء کننده آن دخیل بوده باشند باید مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند، احدی صلاحیت پذیرش معذرت آنها را ندارد.

به یقین که جنایات تنظیم ها، طالبان، وسایر جنایتکاران داخلی و خارجی متعاقب آن به ترتیب مورد تحقیق و ارزیابی قرار داده خواهد شد، بدین ملحوظ پورتال افغان جرمن آنلاین بخش جدیدی را به منظور مستند سازی این جرایم ترتیب کرده که فعلاً زیرکار قرار دارد، اما مبدأ را از سال 1357 و درست از نخستین ساعات کودتای خونبار و منحوس ثور در نظر گرفته و بعد به تجاوز و جنایات وحشتناک تجاوز گران روسی میرسیم و همینگونه پیش خواهیم رفت. جنایت، جنایت است و چپ و راست و کافر و مسلمان و روس و امریکائی ندارد.

پورتال افغان جرمن آنلاین، جریان این اقدامات را از هرگونه جانبداری و احساس های مغل یک کار تحقیقی عادلانه، مانند حس انتقام جویی و غیره به دور نگه خواهد داشت.

بعضاً عده ای در نوشته های شان می نویسند که «افغان جرمن آنلاین به وسیله شعله بی ها اشغال شده است» پورتال افغان جرمن آنلاین به صراحت اعلام می دارد که این سایت به هیچ پارتی، گروه سیاسی و تمایل ایدئولوژیک تعلق ندارد و تحت سلطه و امر هیچ کسی نمی باشد. پورتال ما این ادعا را که به کدام جناحی تعلق دارد، با قاطعیت تکذیب می کند و چنین

د پاپو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

برچسب های نابجا و بیمورد را که از جانب هواداران پرچمی و خلقی محیلانه بعمل می آید، به شدت محکوم می نماید. این آقایان برای مصروف ساختن ذهنیت عموم به سوی یک موضوع دیگر، میخواهند پورتال را با رقبای سیاسی ایشان در مجادله قرار دهند، که این سیاست های آموخته از اربابان ایشان حالا دیگر کسی را فریب داده نمی تواند. پورتال افغان جرمن آنلاین ملی و بیطرف است و نگارش های هر کسی را که به خیر افغانستان و منافع ملی کشور باشد، به نشر می سپارد و با هویت سیاسی اشخاص سر و کاری ندارد مگر اینکه شخص مورد بحث در یک موضوع مشخص، مطرح باشد. پورتال در این یاد آوری تمام تعهدات رسانه یی، اصول مربوط و روش نشراتی خویش را رعایت می کند.

ختم

مؤلف نوشته در پوهنتون-KIT "انستیتوت کارلسرو برای تکنولوژی" در رشته الکتروتکنیک تحصیل کرده و اکنون به حیث دیپلوم انجیر در کمپنی زیمنس Siemens AG در امور سیستم های اتومیشن Automation Systems کار می کند. او همزمان انجیر سیستم های میکروسافت MCSE بوده و «عضویت شبکه انکشافی MSDN» آن را دارد. نویسنده وظیفه یک تن از متصدیان پورتال افغان جرمن آنلاین را نیز عهده دار می باشد.

د پانیو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ